

متن سخنرانی حجت الاسلام محمدتقی سبحانی

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين، سيما بقیة الله فی الارضین، عجل الله تعالى فرجه الشریف.

در آستانه ماه محرم هستیم. خدمت ناشران معارف کربلایی و واقعه عظیم عاشورا عرض سلام و تحیت دارم. ان شاء الله که خداوند متعال ما را از یاران و یاوران آن سالار بزرگ شهیدان قرار دهد و در خط و راه اهل بیت عصمت و طهارت بتوانیم خدمات شایان توجهی داشته باشیم.

بحث ما در باب شبهاتی است که درباره عاشورا و شخصیت سیدالشهدا (سلام الله علیه) مطرح شده و روزبه روز در محافل گوناگون، به ویژه در فضای مجازی، توسعه پیدا می کند. نخست باید دانست که وظیفه ما در معارف عاشورایی تا چه اندازه پاسخ به این شبهات است و چگونه باید این مباحث را در محافل و مجالس مطرح کنیم.

خب، تردیدی نیست که شبهات متعددی نسبت به واقعه عاشورا از سوی مخالفان یا گاه دوستان ناآگاه مطرح می شود. از گذشته های دور نیز کسانی بوده اند که این سخنان را می گفتند و می نوشتند؛ اما امروز، به دلیل توسعه فناوری های اطلاعات، این گونه مطالب هم تنوع بیشتری پیدا کرده و هم از نظر مخاطبان گستردگی فزون تری دارد. امروز این مطالب در دسترس افراد کم سواد، نسل نوجوان و جوان قرار می گیرد و گاه تردیدهای جدی در ذهن آن ها پدید می آید.

اولین نکته این است که ما به عنوان یک مبلغ معارف حسینی، باید به این گونه شبهات آگاهی داشته باشیم و بدانیم ذهنیت مخاطب ما درگیر چه فضایی است تا بحث های خود را متناسب با او تنظیم کنیم. این نکته را هم باید بدانیم که این گونه شبهات، حتی اگر تأثیر آنی نداشته باشند، به تدریج ذهن مخاطبان را مانند موریانه ای می خورند و کم کم بنیادهای اعتقادی آن ها را متزلزل می کنند.

مبلغ یا محقق نباید بگوید مخاطب من بچه های هیئتی هستند، افراد مؤمن و معتقدند و نیازی به چنین بحث هایی ندارند. خیر! شبهه، اشکال و التقاط چیزی نیست که کسی را در امان بگذارد. بسیاری از اهل فهم و باور، با شبهاتی روبه رو شده اند که باعث انحراف آن ها شده و به تدریج هویتشان را مورد اشکال و ایراد قرار داده است.

پس ما وظیفه داریم که نسبت به این آسیب ها و چالش ها بیندیشیم. اینکه چگونه باید با این چالش ها در منابر حسینی برخورد کنیم، بحثی است که در پایان این گفتارها خدمتتان عرض خواهم کرد و دیدگاه خودم را مشخص می کنم.

آنچه مهم است، ابتدا این است که بدانیم جبهه بندی مخالفان نهضت عاشورا یا منتقدان این عرصه چیست و آن ها چه نوع شبهاتی را مطرح می کنند. به دلیل گستردگی این مباحث و محدودیت زمانی، نمی توان به صورت مفصل به همه ابعاد پرداخت؛ اما عناوین این بحث ها را مطرح می کنم و روش پاسخگویی به آن ها را به صورت اجمالی بیان خواهم کرد.

پاسخ های تفصیلی این شبهات، به صورت مکتوب درآمده و محققان زحمت کشیده اند آن ها را تدوین کنند. این پاسخ ها را در پیوست خواهیم گذاشت تا عزیزان مبلغ، پس از شنیدن این مقدمات، خودشان مراجعه کنند و جزئیات این شبهات و پاسخ ها را بررسی کرده و در چاره سازی آن ها بکوشند.

پس در این بحث ها، نگاهم به اصول و محورهای اصلی مسائل شبهات عاشورایی است.

عرض کردم که اولین نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم، این است که چه کسانی، با چه انگیزه و رویکردی، به حادثه عاشورا و شخصیت سیدالشهدا پرداخته‌اند و در نهایت، چه نوع سؤالات و شبهاتی را در جامعه پراکنده کرده‌اند.

من در اینجا از سه گروه مختلف با سه رویکرد متفاوت سخن می‌گویم که به شبهه‌افکنی پرداخته‌اند. البته تعداد این گروه‌ها و دسته‌بندی آن‌ها بسیار بیشتر است، اما این سه گروه در سال‌های اخیر فعالیت بیشتری داشته‌اند و در باب ادبیات عاشورایی و شعائر حسینی بیش از دیگران سخن گفته‌اند.

گروه اول از کسانی که امروز در باب عاشورا و نهضت عاشورا شبهه می‌کنند روشنفکران سکولار و حتی گاه روشنفکران دینی هستند. پایگاه فکری این‌ها اندیشه‌های مدرن و نگاه سکولار و مادی‌گرایانه به حوادث زندگی است.

طبعاً این‌ها حوادث تاریخ اسلام را هم با همین دریچه نگاه می‌کنند به گمان بعضی رویکرد اصلی اینها قدسی‌زدایی از همه امور و رفتارهاست. معمولاً روشنفکران با هرگونه امر قدسی، آسمانی، ماورا طبیعت به نوعی به مخالفت می‌پردازند.

در باب حادثه عاشورا هم این‌ها همین برخورد رو داشتند و از این ناحیه معمولاً سوال‌ها و چالش‌های مختلفی رو مطرح کردند. طبیعتاً اولین نوع شبهات اونها این است که واقعه عاشورا رو بسیار سطحی و ساده نشان بدهند. ابعاد ماورایی حادثه عاشورا، ابعاد معنوی و قدسی سیدالشهدا علیه السلام رو محدود کنند علم و عصمت ایشان رو مورد انکار و سوال قرار بدهند و حادثه عاشورا رو همچون سایر حوادث طبیعی، معلول شرایط محیطی و زمانی و مکانی بدانند.

از این رو این‌گونه افراد بسیاری از گزارش‌های تاریخی و پاره‌ای از معارف کربلایی و حسینی رو مورد تردید و انکار قرار می‌دهند.

از دیگر شبهات این‌ها، شبهه در باب عزاداری مراسم حسینی است. غالباً گفته می‌شود که این گونه عزاداری‌ها، برنامه‌ها و شعائر اموری ساختگی هستند مربوط به دوره‌های پسین هستند و این‌ها با روح و پیام کربلا و عاشورا در تنافی است.

از این رو بسیاری از این روشنفکران تلاش می‌کنند که برنامه‌های عمومی، شعائر و ویژگی‌هایی که در فرهنگ عاشورایی مطرح است این موارد را به انکار و سوال مواجه کنند. برخی از این‌ها نسبت به هزینه‌هایی که در باب مراسم عاشورا صورت می‌گیرد انتقاد می‌کنند و این شیوه مشارکت عمومی و نوع هزینه‌های عمومی را مورد تردید قرار می‌دهند. در باب سفر زیارت، در باب پیاده روی اربعین، در باب مجالس و سفره‌هایی که در رابطه با سیدالشهدا گذاشته می‌شود این‌ها را یا اسراف می‌دانند یا بدون وجه عقلایی تلقی می‌کنند یا هزینه کرد در اینجا رو اسراف و امری ناروا می‌دانند.

گروه دومی که به شبهات عاشورایی می‌پردازند که اخیراً هم بسیار در آثارشان و در فضای مجازی این را توسعه دادند؛ شبهات باستان‌گرایان و ایران‌گرایان افراطی است.

این‌ها با ادعای دفاع از ایران و اصالت‌های فرهنگ ایرانی با هرگونه فرهنگی که مرتبط با فرهنگ اسلامی باشد به مقابله می‌پردازند از جمله به دلیل حضور بلند فرهنگ عاشورایی در جامعه ایران و استقبال مردم ایران از این فرهنگ، طبیعتاً حساسیت بیشتری را نسبت به واقعه کربلا نشان داده‌اند.

از جمله شبهاتی که این‌ها مطرح می‌کنند این است که واقعه به یک دعوای قبیلگی به یک دعوای خانوادگی محدود کنند. برخی از قصه‌هایی که در منابع غیر معتبر، گاه قصه پردازی شده این‌ها بزرگ می‌کنند به عنوان واقعه تاریخی از جمله می‌گویند دعوای میان امام حسین علیه السلام و یزید دعوایی بود که بر سر یک ازدواج شکل گرفت و برای رقابت بر سر اون ازدواج موجب این دعوا شد.

گاهی اوقات میان مسئله حضور امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام رو در فتوحات بهانه می‌کنند با بزرگنمایی که در تاریخ نسبت به فتوحات و کشتارهایی که از ایرانیان صورت گرفته این‌ها ادعا می‌کنند که به دستور حضرت علی علیه السلام، فرزندان ایشان در این فتوحات شرکت کردند حتی گاه گفته اند این‌ها مناصب لشکری هم در این جنگ‌ها داشتند.

خب طبیعی است که این نوع گزارش‌ها که گاه مستند میشه به منابع غیر معتبر یا گزارش‌های غیر معتبر در منابع تاریخی، با بزرگنمایی و کار هنری که بر روی او انجام میدهند در ذهن پاره‌ای از جوانان، خدشه‌هایی ایجاد می‌شود. مخصوصاً تصویری که از برخورد لشکریان خلفا نسبت به مردم ایران شده و قتل‌ها و اسارت‌هایی که از آنها گرفتند می‌آیند و اهل بیت عصمت و طهارت مخصوصاً وجود مقدس آقا امام حسین رو شریک این ماجرا می‌کنند تا تحریک احساسات کنند و مردم ایران رو نسبت به شخصیت آن بزرگوار و واقعه عاشورا در واقع متزلزل کنند.

گروه سومی که می‌توان از آنها یاد کرد که به شبهه افکنی می‌پردازند، کسانی هستند که حالا میشود نام آنها رو وحدت گرایان افراطی یا مدعیان وحدت گرایی در جهان اسلام از آنها یاد کنیم.

این‌ها معتقدند که واقعه عاشورا و حوادث و شعائر پیرامون او، سبب می‌شود که در بین امت اسلامی اختلاف بشود. همیشه شیعیان از این ناحیه نسبت به خلفا اظهار بدبینی کنند و همین زمینه نقار و اختلاف بیشتر بشود. خب این‌ها هم شبهات مختلفی رو مطرح می‌کنند.

گاهی اوقات نسبت به اصل واقعه عاشورا در اهمیت و جایگاه این حادثه تردیدهایی رو انجام میدهند، گاهی اوقات اظهار می‌کنند که چنین اختلافی در بین خلفا و اهل بیت وجود نداشته حتی گاه گفته می‌شود که کسی مانند یزید در ماجرای واقعه عاشورا تاثیر مستقیم نداشته و به تحریک دیگران یا به اطلاع‌رسانی نادرست دیگران دستش در این ماجرا وارد شده است.

برخی از این‌ها برای اینکه نزدیکی اهل بیت با خلفا رو ذکر کنند بحث نامگذاری فرزندان اهل بیت رو با نام خلفای نخستین استناد و استدلال می‌کنند این‌ها می‌گن نام‌هایی از فرزندان اهل بیت از خاندان امیرالمومنین باقی مانده که نام خلیفه اول دوم عثمان و دیگران بر آنها نهاده شده و از اینجا می‌خواهند استناد کنند که اساساً اختلافی در میان نبوده و اهل بیت با خط خلافت همواره همراهی و آشتی داشتند.

برخی از این‌ها مسئله لعن رو مورد توجه قرار می‌دهند و نسبت به لعن کسانی که در واقعه عاشورا بودند یا بانیان اصلی و پیشینه تاریخی واقعه عاشورا اظهار تردید می‌کنند. یکی از این شبهاتی مطرح شده که خیلی از این موارد، ریشه در شبهات ابن تیمیه یا محمد بن عبدالوهاب دارد، این است که اساساً لعن فرد و لعن شخص خاص صحیح نیست ما فقط می‌توانیم لعن کلی کنیم لعن ظالمان، لعن کافران و مشرکان را انجام بدیم اما حق نداریم نسبت به فرد خاصی لعنتی بفرستیم به خصوص برای کسانی که ظاهری در اسلام دارند و اظهار اسلام می‌کنند لعن اون‌ها به خصوص جایز نیست.

خب به همین مناسبت برخی از شبهات سراغ زیارت عاشورا آمده و ادعا کردند که در زیارت عاشورا این نام‌هایی که در انتهای زیارت آمده؛ «اولاً ثانی ثالثاً» این‌ها در درون نسخه اصلی نیست به نسخه کامل الزیارات تمسک می‌کنند و ادعا می‌کنند که این نام‌ها از افزوده‌های دوره‌های بعدی است.

با توجه به مجموعه این شبهات و شبهات دیگری که عرض کردم نسخه این شبهات و پاسخ‌های اون‌ها رو در پیوست خواهیم گذاشت و عزیزان مطالعه می‌کنند باید توجه کنیم که امروز، دشمنان، مخالفان و بدبینان نسبت به واقعه عاشورا و حادثه کربلا امروز فعالند تا ذهن مخاطبان شما رو درگیر این حاشیه‌ها کنند ما در تبلیغ معارف عاشورایی نمی‌توانیم از این نوع اشکالات و شبهات فاصله بگیریم و بی‌توجه باشیم که مخاطبان ما درگیر چنین فضا و مسئله‌هایی هستند.

عرض کردیم که امروز گروه‌های مختلف که اهمیت عاشورا و معارف عاشورایی را درک کرده‌اند و به نوعی می‌خواهند مخالفت کنند با این حرکت نهضت عاشورا، با ایجاد تردیدها و چالش‌ها سعی می‌کنند مخاطبان را از این گونه معارف و فرهنگ عاشورایی دور کنند.

عرض کردیم که گروه‌های مختلفی هستند که هر کدام متناسب با خاستگاه خودشان، این شبهات را تقویت می‌کنند و ما هم نمونه‌هایی را در اختیار شما قرار دادیم از پاسخ‌هایی که به این شبهات داده شده‌اند. حتماً باید این نوع شبهات را بررسی کرد، به آن‌ها پرداخت و راهکاری برای مواجهه با آن‌ها یافت.

تأکید می‌کنم بر روش‌های پاسخگویی به این گونه شبهات تا این متن‌های ارائه‌شده از دریچه این روش‌ها بهتر قابل استفاده باشد. در پایان نیز چند نکته و ملاحظه در خصوص نحوه ارائه این پاسخ‌ها به مخاطبانی که در هیئات، مساجد و منابر حضور دارند، بیان خواهم کرد.

خب، همان‌طور که اشاره کردم، تکیه‌گاه‌هایی که در این شبهات وجود دارد، بسیار متنوع‌اند. ما نیز در مقام پاسخگویی باید توجه کنیم که این شبهه دقیقاً کدام نقطه را هدف قرار داده است و تلاش کنیم که آن نقطه و چالش اصلی را به گونه‌ای مناسب حل و فصل کنیم.

گاهی این شبهات مسیر انحرافی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند. ما باید تلاش کنیم این مسیر انحرافی را قطع کرده و مخاطب را به سرچشمه موضوع و شواهد مرتبط هدایت کنیم و این حاشیه‌روی‌ها را حذف کنیم.

برخی از مستندات که مورد استناد قرار گرفته‌اند، نادرست و واهی هستند. ما به عنوان مبلغ باید بدانیم که اساساً چنین مستنداتی در معارف اسلامی وجود ندارند و شبهه‌کنندگان از متون و منابعی استفاده می‌کنند که اعتبار و روایی کافی ندارند.

حال، برای اینکه روشن شود ما با چه حوزه‌هایی و چه نوع شبهاتی سروکار داریم و چگونه باید پاسخ دهیم، چند نکته را به دلیل ضیق وقت مطرح می‌کنم تا نشان دهم که زاویه پاسخگویی ما چگونه باید مدیریت شود.

می‌دانیم که در بعضی شبهات، کانون اصلی تمسک به یک مفهوم است که در شرع، مفهومی مذموم شمرده شده است. این گروه تلاش می‌کنند که پاره‌ای از مراسم عاشورایی و حرکت فرهنگی عاشورا را تحت این عنوان قرار دهند و از این جهت آن را متهم کنند.

به عنوان مثال، گفته می شود که مراسم عزاداری به این شکل و شمایل در فرهنگ مسلمین وجود نداشته است. برای این ها آیه و حدیثی نداریم و در بین اصحاب نیز چنین مراسمی رواج نداشته، بنابراین تمام این مراسم، از مصادیق بدعت شمرده می شود.

یا گاه تمسک شیعیان به وجود مقدس امام حسین علیه السلام و اصحاب کربلا، از مصادیق شرک دانسته می شود. این گروه استدلال می کنند که توسل به غیر خداوند، مستلزم شرک است، پس هرگونه "یا حسین" گفتن، هرگونه تمسک و توسل به سیدالشهدا و اصحاب کربلا، از مصادیق شرک به حساب می آید.

زیارت مرقد مطهر و برنامه هایی مانند راهپیمایی ها نیز از دیدگاه این گروه، مصادیق شرک تلقی می شود.

در پاسخ به این گونه شبهات که معمولاً یک مفهوم و یک عنوان را موضوع شبهه قرار می دهند و تلاش می کنند که عاشورا را از مصادیق آن بدانند، ما باید ابتدا خود آن مفهوم را توضیح دهیم و نشان دهیم که برداشت شبهه کننده از این مفاهیم، نادرست است. در باب شرک نیز باید توضیح داده شود که مفهوم شرک، یک مفهوم خاص و دقیق است که به هیچ وجه شامل زیارت مرقد مطهر، انجام مراسم توسل و طلب شفاعت نسبت به اهل بیت نمی شود.

گروه دیگری از شبهه کنندگان یک واقعه تاریخی را مستمسک قرار می دهند.

عرض کردم که این گروه معتقدند که در تاریخ چنین حادثه ای نبوده یا چنین شخصیتی وجود نداشته، یا ادعا می کنند که وجود مقدس امام حسین علیه السلام در فتوحات بوده و در این فتوحات نقش های ویژه ای داشته است.

هدف این گروه تضعیف مهر و محبت جامعه ایرانی نسبت به امام حسین علیه السلام است.

در اینجا، چون بحث تاریخی است، باید مستندات تاریخی روشن شوند.

ما باید نشان دهیم که چنین گزارش هایی نادرست هستند و با واقعیت تاریخی هماهنگ نیستند.

در پاسخ هایی که ارائه شده، نشان داده شده که در باب فتوحات، این گزارش ها فاقد اعتبار هستند و با نگاهی که امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به حسنین علیهم السلام داشتند، کاملاً ناسازگار است.

ایشان حتی در جنگ های خودشان، در حفظ فرزندان فاطمه زهرا سلام الله علیها بسیار دقت داشتند و از ورود آن ها در جنگ گاه پرهیز می دادند.

چگونه می توان به یک گزارش ناقص اکتفا کرد و گفت که امام علی علیه السلام فرزندان خود را در فتوحات فرستاده است؟

در پاسخ هایی که ارائه شده، اثبات شده که این شبهات، فاقد اعتبار و ناسازگار با شواهد تاریخی هستند.

گفته شده در بعضی از این گزارش ها که امام حسین علیه السلام در جنگ طبرستان حضور داشته اند، حال آنکه می دانیم فتح طبرستان مربوط به دوره منصور دوانیقی است و سال ها پس از حیات ایشان رخ داده، بنابراین مشارکت امام حسین علیه السلام در آن جنگ از نظر تاریخی امکان پذیر نیست.

در شبهاتی که پایگاهی تاریخی دارند، ضروری است که به‌طور دقیق نشان داده شوند. در این پاسخ‌ها مشخص شده که این گزارش‌ها، گزارش‌های نادرست و خلاف حقیقت تاریخی هستند. برخی از شبهات، مستمسکشان آیه یا روایتی است، به‌ویژه در مورد روایات که در اینجا تمسک فراوانی شده و تلاش کرده‌اند بعضی از وجوه حادثه عاشورا را زیر سؤال ببرند.

به‌عنوان مثال، یکی از معروف‌ترین شبهاتی که مطرح کرده‌اند، وهابیت نیز به آن پرداخته است و برخی طرفداران وطنی آنان نیز گاهی آن را تکرار می‌کنند، این است که روایتی از پیامبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) نقل می‌کنند که حضرت فرمودند: «لَا تُشَدُّ الرَّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ»، یعنی بار سفر بستن جز به‌سوی سه مسجد جایز نیست: مسجدالحرام، مسجدالنبی و مسجدالاقصی. بنابراین، تمام سفرهایی که شیعیان به کربلا و مراقد مطهره می‌روند، از دیدگاه پیامبر اکرم مورد نهی قرار گرفته است.

در پاسخ به این شبهه، به‌طور تفصیلی توضیح داده شده که این روایت اساساً معتبر نیست، حتی خود اهل سنت نیز آن را معتبر نمی‌دانند و بسیاری از آنان با این روایت همراهی ندارند. در گام دوم باید نشان داد که آیا این روایت همان چیزی را که شبهه‌کنندگان ادعا می‌کنند، دلالت دارد. در این روایت اساساً موضوع بحث آن چیزی نیست که آنان می‌گویند. اگر این روایت دلالت مطلق داشته باشد که حدال جایز نباشد، پس تمامی مسافرت‌های مسلمین نیز برخلاف قول پیامبر اکرم خواهد بود. در باب شرح حال مسجد گفته شده است که نباید صورت گیرد، اما در بحث مراقد، مسئله مساجد مطرح نیست و اساساً از مستثنیات این روایت خارج است. آنچه در اینجا وجود دارد، توجه به جایگاه آن شخصیت‌های کرام و اولیای الهی است که مورد قبول روایت پیامبر اکرم و قرآن کریم است.

جنبه‌ی دیگری که می‌توان در این گونه شبهات به آن توجه کرد، فهم مسلمانان از سنت پیامبر اکرم (ص) است. غالباً این شبهات را امثال ابن تیمیه و پیروان او مطرح کرده‌اند. می‌دانیم که در این باب، خود اهل سنت ده‌ها کتاب درباره‌ی «شدّرحال» اولیای الهی نوشته‌اند و قول ابن تیمیه را نفی کرده‌اند. این چگونه روایتی است که بزرگان اهل سنت در شرق و غرب با آن مخالفت کرده‌اند و آن را نپذیرفته‌اند؟ بنابراین، فهم بزرگان مسلمین نیز محور دیگری در پاسخگویی است. سیره‌ی عملی مسلمین، از صحابه‌ی پیامبر گرفته تا بزرگان اسلام تاکنون، نیز می‌تواند یکی از مستندات پاسخگویی به شبهات باشد. هنگامی که نشان داده شود که مسلمین اساساً چنین فهمی نداشته‌اند و برخلاف آن عمل کرده‌اند، صحابه برخلاف مضمون این روایت رفتار کرده‌اند، این خود می‌تواند نقد دیگری بر این شبهات باشد.

مواردی از این دست فراوان‌اند، که عزیزان می‌توانند به آن‌ها مراجعه کرده و تلاش کنند این محتوا را در بیان و نشر معارف حسینی مطرح کنند.

در پایان، چند نکته را به‌عنوان ملاحظات ارائه‌ی پاسخ به شبهات بیان می‌کنم. این شبهات مهم و منتشر هستند و نمی‌توان مانند برخی گذشتگان گفت: «الباطل یموت بترک ذکره»، یعنی اگر باطل را رها کنید، خودبه‌خود از بین خواهد رفت. شاید این مسئله در زمانی صحیح بوده که رسانه‌های جمعی و سواد عمومی وجود نداشتند، و توصیه می‌شد که اگر عالمی در گوشه‌ای شبهه‌ای مطرح کرد، آن را توسعه ندهید. اما امروزه، این شبهات به‌سرعت در فضاهاى مختلف منتشر می‌شوند و مخالفان تشیع و نهضت حسینی همه‌جا فعال هستند. یک مبلغ نمی‌تواند بگوید که نباید این شبهات را مطرح کنیم، چراکه به‌رحال مخاطبان ما از منابع مختلف با این مطالب مواجه می‌شوند.

سؤال این است که چگونه باید به این شبهات پاسخ داد؟ اولین نکته‌ی مهم این است که باید بررسی شود که بحث در چه جلسه یا محفلی مطرح می‌شود. اگر محفل علمی و تخصصی باشد و متخصصانی حضور داشته باشند مانند محیط‌های دانشگاهی، می‌توان شبهات را مطرح و به‌طور دقیق پاسخ داد.

اما اغلب مجالسی که در آن شرکت می‌کنیم، از این دست نیستند، حتی اگر مخاطبان تحصیل کرده باشند، در موضوعات حدیثی، تاریخی و قرآنی تخصص کافی ندارند. در چنین محافلی، آیا باید به این شبهات پرداخت یا خیر؟ در اینجا گفته می‌شود که ذکر مستقیم شبهه همواره ضروری نیست. ما می‌توانیم به شیوه‌های مختلف پاسخ بدهیم: گاهی کافی است حقیقت مسئله را روشن کنیم و با شواهد و دلایل کافی، مدعا و دلیل را در ذهن مخاطب تثبیت کنیم؛ همین مقدار برای دفع شبهه کافی است.

برای گروهی دیگر، لازم است که به شبهه پاسخ داده شود، اما ذکر خود شبهه ضروری نیست؛ مخاطبی که از شبهه آگاه است، می‌داند که ما در پاسخ خود به آن پرداخته‌ایم، و گروهی که از آن بی‌اطلاع هستند، فقط پاسخ ما را دریافت کرده و متذکر شبهه نشده‌اند.

گاهی لازم است که شبهه را به‌طور مستقیم بررسی کرده و آن را از ذهن مخاطب پاک کنیم، بی‌آنکه محور بحث را بر شبهه بنا کنیم. در این موارد، بهتر است بحث اصلی و اثباتی در مقدمه‌ی بحث مطرح شود، ابتدا توضیح درستی از موضوع ارائه گردد و در پایان، با اشاره‌ای کوتاه به شبهه و پاسخ‌های کافی، آن را برطرف کرد. در نهایت، مخاطب‌شناسی دقیق و میزان درگیری ذهن مخاطب با موضوع، باید مبنای تنظیم پاسخ باشد.

نکته‌ی پایانی که ملاحظه‌ی مهمی در پاسخ به شبهات است، توجه به اصول فرهنگ عاشورایی و نهضت کربلا است. ورود به جزئیات اختلافی میان علمای شیعه، در منابر حسینی جایز نیست؛ چراکه در برخی امور، حتی میان فقهای شیعه نیز اختلاف نظر وجود دارد. اگر یک مبلغ بخواهد جانب یک دیدگاه را بگیرد و دیدگاه دیگر را محکوم کند، این موجب تضعیف جایگاه علم و علما خواهد شد. علاوه بر آن، در منابر حسینی نیازی نیست که وارد مباحث اختلافی جزئی شویم. آنچه لازم است، تحکیم اندیشه‌ی نهضت حسینی و شخصیت باکرامت سیدالشهدا (ع) است.

لذا توصیه‌ی اکید آن است که با توجه کامل به تمامی این مسائل و شبهات، تلاش شود تا اشکالاتی که به شخصیت حضرت آسیب می‌زنند یا فهم مخاطب از واقعه‌ی عاشورا را منحرف می‌کنند، بررسی و برطرف شوند. طبعاً جزئیات می‌توانند در پاسخ به سؤالات خاص یا جلسات خصوصی‌تر مطرح شوند. اعتقاد بر این است که نباید خیمه‌ی عاشورا و کربلای حسینی را به نزاع‌ها و اختلافات داخل جامعه‌ی شیعه آلوده کرد.

امیدواریم که عزیزانی که توفیق خدمتگزاری در این حوزه‌ی بلند عاشورایی و سیدالشهدا (ع) دارند، در نشر معارف، دفاع از کیان امامت و ولایت حسینی، و تنظیم منابر حسینی بر اساس معارف نوین، کارآمد و مؤثر، موفق باشند. «و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین».